

# یادگار

دسامبر ۱۹۴۵ - ژانویه ۱۹۴۶

محرم - صفر ۱۳۶۵

دیماه ۱۳۲۴

مسال روز

## مطبوعات زیان آور

اگر این گفته درست باشد که: «مطبوعات يك ملت آینه اخلاق و عادات آن ملت است» بدبختانه باید اقرار کنیم که جمال حال امروزی ما در این آینه بسیار بدنماست و اگر خود ما بر اثر عادت ملتفت این بد نمائی و بی اندامی نشویم دیگران که اسیر این عادت نشده اند بیک مشاهده بزشتی و کراهت نقشی که در این آینه نموده شده است پی میبرند و دیگر میل نمیکنند که بار دیگر دیده یاک باز خود را بدیدار این چنین هیأتی گریه باز کنند.

مسلم است که توسعه و بسط مطبوعات در هر مملکت زاده آزادی و از خصایص حکومت دموکراسی است اما اگر در یکی از حوزه های اجتماعی دامنۀ آزادی بعنوان کیسختگی و خودسری و دموکراسی بی عرضگی و ضعف نفس و کاهلی کشیده شود زمام مطبوعات آن نیز خواه ناخواه بدست مردم خودسرو عنان کیسخته می افتد و هیأت حا که و دولت نیز بعلت عدم توجه و ضعف نفس نمیتواند از این خودسری و عنان کیسختگی جلوگیری کنند و بالنتیجه میدان برای بروز و ظهور مطبوعات زیان آور باز میشود و هر کس که غرض و شهوتی دارد باطالب نفع مادی بیشتری است بی آنکه قبل تربیت و

تهذیبی یافته یا درس و بحثی دیده باشد گستاخانه باین میدان میتازد و هر کلیترهای را که ساخت و پرداخت بمعرض نمایش می آورد و در دسترس عامه بیگناه که اگر گناهی داشته باشند همان عوامی و بی سر پرستی است میگذارد.

زشتی و فساد با اینکه فی نفسه نفرت آور و عیب است مادام که متجاوز نباشد و زبان آن بدیگران نرسد چون وبال و تبعات آن فقط متوجه کسی است که ببند آن زشتی یا فساد گرفتار آمده است چندان محل اعتنا نیست و دیر یا زود بامظهر آن از میان می رود و اثری از آن بر جای نمی ماند.

اما اگر این زشتی و فساد با از کلیم خود بیرون گذاشت و محدود و دایره ای که باید بتوسط نظامات اجتماعی و قوانین سخت روز بروز محدود تر و تنگ تر شود قناعت نکرد و بتعرض نسبت بوجود های صالح اطراف خود پرداخت بحکم عقل و باقتضای مصلحت عام نه تنها باید جلوی آنرا گرفت و میدان تجاوز و دراز دستی آنرا کوتاه کرد بلکه باید ریشه آنرا بر کند و تخم آنرا چنان تباہ ساخت که دیگر امید تجدید حیاتی برای آن نباشد.

امروز متأسفانه جزء اعظم مطبوعات ما نه فقط زشت و بيمصرف است بلکه از بسیاری جهات زبان آور و مخرب است و اگر جلوی آنرا بشکلی معقول نگیرند بنیان اخلاق عمومی را درهم فرو میریزد و جامعه ما را که مثل هر جامعه ای باید بر اساس تقوی و فضیلت و مکارم اخلاق منکی باشد با خطری عظیم مواجه خواهد ساخت.

در میان این مطبوعات زبان آور يك طبقه آنها هستند که دانسته یا ندانسته ناشر افکار مسموم بیگانگانند و هر روز بيك شکل و بايك لحن مقدسات ملی ما را مورد استهزاء و سخریه قرار میدهند و اساس ملیت ما را که بر پایه زبان و ادبیات و آثار تاریخی و آداب قومی ما مبتنی است ضعیف میکنند. عجاله روی بحث ما در این مقاله با این طبقه نیست و شرح این خون جگر را بگفته شاعر بزرگ برای وقت دگر میگذاریم.

طبقه دیگر مطبوعاتی است که بدست يك مشت نویسندۀ هرزه قلم یا پول پرست اداره میشود و عمل ایشان مستقیماً حمله به «عفت عمومی» است. در غالب ممالک جدی دنیا (بغیر از بعضی از ممالک لاتینی که اکثر این نویسندگان هم دست پرورده آنجا

هستند) صاحبان اینگونه نوشته‌ها را محکوم میکنند و بسختی جلوی هرزه‌دراستی ایشان را میگیرند و نمیگذارند که بیخبران و بی‌گناهان در دام کیدوشیادی ایشان بیفتند و با از دست دادن پول اخلاق و تقوای خود را نیز از دست بدهند. رواج بازار این شیدان رباینده مدیون دو بدبختی است یکی جهل و غفلت عمومی دیگری ضعف و بی‌علاقگی دولت در دفاع از مصالح مردم و بریدن دست طراران که شب و روز از هر طرف باینعمل زشت مشغولند و باین وسیله کیسه طمع خود را پر میکنند و بر آتش شهوت نفس خود آبی موقتی میریزند.

از بدبختی در این ایام هر کس موفق شده که امتیازی تحصیل کند و مقداری سرمایه در دست داشت با نهایت آزادی میتواند هر چه را هوای نفس حکم کرد بر روی کاغذ بیاورد و در دست و پای مردم بیندازد و برای آنکه این نوشته‌های زهر آکین جالب شود و کمتر کسی بزبان و خطر آن پی برد آنرا باقسام صور و اشکال شهوت‌انگیز و فریبنده می‌آراید و چون خود را طرفدار «جنس لطیف» و نقاش مظاهر «حسن و جمال» معرفی کرده هر بی‌ناموسی و دریدگی که از زنان نانجیب و بی‌حیا نسبت بشوهران خود سرزده و هر هیأت عریان مکشوفی را در بهترین جاهای روزنامه‌ها و مجلات خویش می‌نماید و بکنایات ابلغ از تصریح اطفال معصوم مدارس را بگرویدن بان آیین زشت میخواند مثل اینکه وجود جنس لطیف باید با فسق و فحشاء و بیوفائی نسبت بشوهر توأم و زیبایی پا بی‌عفتی و بی‌حفاظی مترادف باشد.

فلان روزنامه برای آنکه بیشتر فروش رود و بقول خود جالب تر باشد جدیدترین عکس فلان «آرتیست» را با قبیح‌ترین وضعی و آشکارترین هیأتی بچاپ میرساند و هزار و یک داستان راست و دروغ در باب زندگانی خصوصی او و عشاق دلسوخته‌ای که خود را (البته از راه حماقت) فدای او کرده‌اند میسازد و میبردازد یا از همکاران هرزه‌اروپائی خود اقتباس میکند و چنین می‌نماید که این خانم آرتیست رکن رکین دنیاست و تمدن درخشنده مغرب زمین بوجود او بسته است. عجیب‌تر اینکه این قبیل صور در یکی از مجلات بسته یکی از وزارتخانه‌ها نیز دیده میشود و شماره‌ای از آن مجله نیست که از یکی دو عکس از این قبیل خالی باشد.

البته از مردم بیچاره بی خبر نمیتوان توقع داشت که این مطبوعات زبان آور را نخرند، زیرا که نامطبوعات مفید بحد و فور و بقیمتی ارزان و بشکلی زیبا در دسترس ایشان نباشد و این نوشته‌های مضر را عقب تزد عامه بآنها اقبال میکنند و از راه کنجکاو می هم اگر باشد آنها را میخرند و میخوانند و گمراه میشوند.

این خطر چنانکه بدیهی است بیش از همه متوجه طبقه جوان است زیرا که مردم تربیت یافته و سالخورده دیگر هیچگاه در دام این قبیل شیادان نمی افتند و اگر هم این گونه نوشته‌ها را بخوانند آنها را با از جار و نفرت تلقی میکنند اما بیچاره اطفال معصوم که هنوز قوه تشخیص ندارند و باقتضای سن نیز در صورتیکه عنان ایشان گرفته نشود بسرکشی و تندمی تجیبی باین پرتگاه‌ها کشیده میشوند بر اثر خواندن این نوشته‌های زهر آکین و دیدن این صور فریبنده ضلالت آور پس از اندک مدتی بکلی از راه بی‌راهه می افتند تا آنجا که دیگر با هیچ تربیت و تهذیبی نمیتوان انحراف اخلاقی ایشانرا بحال تقویم باز آورد و از ایشان توقع تقوی و عصمت اخلاقی داشت.

این قبیل تبلیغات مضر که بنای آن بر تحریک قوای شهوانی و رخنه کردن در قیودی است که باید از این تحریک جلوگیری کند بدون هیچ شک و شبهه اساس خانواده را متزلزل میکند و زن را که باید نسبت بشوهر وجودی وفادار و باداره کانون خانوادگی علاقه مند باشد و بیشتر هوش و حواسش بتربیت فرزندان لایق و هنرمند برای خدمت بملك و ملت مصروف گردد از خط مشی مستقیم منحرف میکند و او را که بی معین و باور نمیتواند زیست نماید بفساد و فتن طلبیهای خانمان براندازد و امیدارد و مرد را نیز همچنین نسبت بتشکیل عائله و علاقه بزین و فرزند لا ابالی بار می آورد و معلوم است که زن و مردی که بخانمان و کانون خانوادگی و فرزند بی علاقه بار آیند بسرزمینی نیز که این خانواده و فرزندان باید در آن بار آیند و بسعادت آن سعادت مند شوند - چون خانواده و فرزند ندارند - طبعاً بی علاقه میشوند و بنابراین هیچ جای استبعاد نخواهد بود اگر این گونه مردم لا ابالی و بی همه چیز در موقع تصدی مقامی بمال و منال مردم بزیند و برای اطفای آتش شهوانیات خود از بیت المال عموم بحد اکثر برداشت کنند و هر وقت هم مجال را تنگ باقتند بیک سرزمین بیگانه فرار نمایند تا از تعرض مصون بمانند و در